

خردسانان

گویا

سال ششم

شماره ۲۷۸ پنجمین

۱۵ فروردین ماه ۱۳۸۷

۳۰۰ تومان



دوست

مجله‌ی خردسانان ایران

۱۳



بچه غول

۱۸



از هیچ چیز نترس

۲۰



قصه‌ی حیوانات

۲۲



همبازی

۲۴



کاردستی

۲۵



فرم اشتراک

۲۷



ترانه‌های زندگی

به نام فداوند بفشنده‌ی مهربان

صاحب امتیاز: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)

۳



با من بیا ...

۴



خدای من بزرگ است

۷



نقاشی

۸



فرشته‌ها

۱۰



نسکافه

۱۱



جدول

۱۲



بازی



پدر و مادر عزیز، مریمی کرامی

- مدیر مسئول: مهدی ارگانی
- سردبیران: افشن اعلا، مرجان کشاورزی آزاد
- تصویرگر: محمدحسین صلوانیان
- کارلیک و صفحه‌آرایی: مجتبی صلوانیان
- لینوکرالی و چاپ: مژسمه چاپ و نشر عروج
- امور مشترکین: محمدرضا ملزارده
- نشریه‌نامه: تهران - خیابان انقلاب، بهار راه کالج، شماره ۹۶۲، نشر عروج
- تلفن: ۰۲۶۷-۱۳۷۷ و ۰۲۶۷-۲۲۷۷، نمبر: ۰۲۶۷۳۳۳۳۱

این مجموعه ویژه‌ی خردسانان طراحی شده است. علاوه بر جنبه‌های آموزشی، تفریحی و سرگرمی، افزایش مهارت‌های عملی خردسانان از اهداف اصلی آن است. بریدن، جدا کردن، رنگ آمیزی، حتی خط خطا کردن و هر گونه فعالیت پیش‌بینی نشده از طرف کودک، می‌تواند به ایجاد ارتباط، اعتماد به نفس، شادی و رشد خلاقیت او کمک کند. او را در شیوه استفاده از مجله آزاد یکناریم، تنها به عنوان پیشنهاد و راهنمایی در بعضی از صفحات مجله توضیحات کوتاهی درج شده است.



با منه ...

دوست من سلام.

من همستر هستم.

دو تا کیسه‌ی کوچک در دو طرف صورتم دارم. وقتی بخواهم چیزی را پنهان کنم، آن را در این کیسه‌ها می‌گذارم. مادرم می‌گوید که وقتی من و خواهر و برادرهايم تازه به دنیا آمده بودیم. مادرم ما را در کیسه‌های دو طرف صورتش می‌گذاشت و با خودش این طرف و آن طرف می‌برد.

وقتی که من به دنیا آمدم، تا ده روز شیر مادرم را خوردم بعد دو تا دندان تیز در آوردم تا بتوانم چیزهای سفت را هم بخورم. ما همسترها جونده هستیم اما موش نیستیم!

حالا که مرا شناختی، با من دوست باش و برای ورق زدن مجله، همراه من بیا ...



خدای من بزرگ است



۴ فروردینه خدادجو

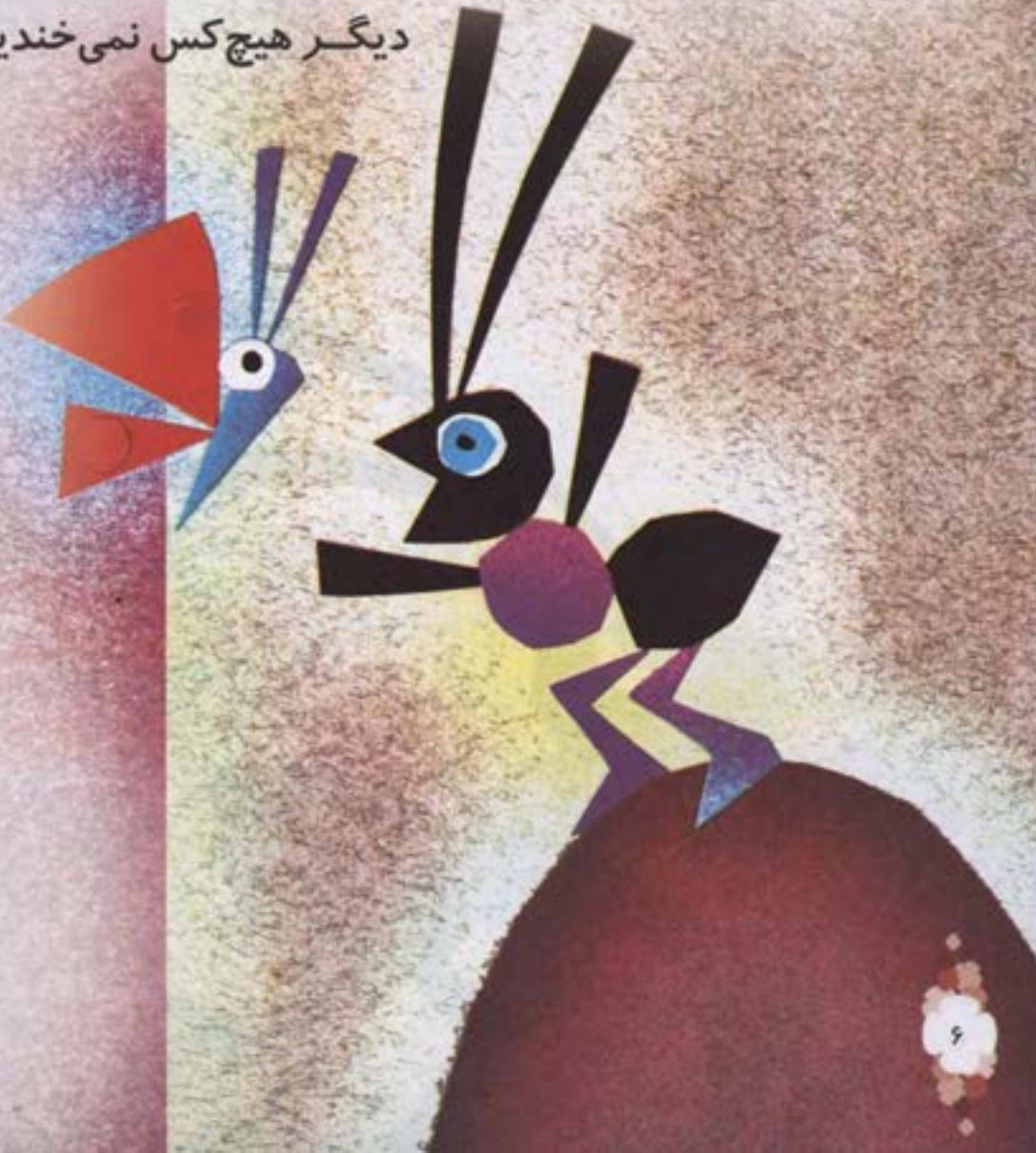
مورچه‌ای دانه‌ای را به دهان گرفته بود و از تپه‌ای بالا می‌برد. دانه خیلی بزرگ بود. از خودش هم بزرگ‌تر بود. خرگوش که از آن طرف‌ها رد می‌شد، او را دید. تلاش مورچه، به نظرش کار اشتباهی بود. خرگوش خندید و گفت: «تو هرگز نمی‌توانی، این دانه را به مقصد برسانی!» مورچه جواب نداد او به کارش مشغول بود. دارکوبی از راه رسید. مورچه را دید. با شیطنت نوکش را به تنہ‌ی درختی کویید و گفت: «تق تق تق چه مورچه‌ی لج بازی! دست بردار کوچولو!» مورچه جواب نداد. او همین طور دانه را با خود می‌کشید. لاک پشت از راه رسید. مورچه را دید. تعجب کرد و گفت: «در عمر طولانی‌ام، مورچه‌های زیادی را دیده‌ام که بارهای بزرگ برداشته‌اند، اما بار تو خیلی بزرگ است. خیلی خیلی بزرگ!»



مورچه از تپه بالا می‌رفت. کمی بعد روباه از راه رسید. چشم‌هایش برق زد و گفت: «ای رفیق! پیش از آن که خودت از پا در بیایی، دانه را رها کن!» مورچه، هم چنان بالا می‌رفت. کمی بعد سنجاق سر رسید، بعد جوجه‌تیغی و مورچه هم چنان بالا می‌رفت.
دیگر هیچ‌کس نمی‌خندید. همه نگاهش می‌کردند.

مورچه به بالای تپه رسید.

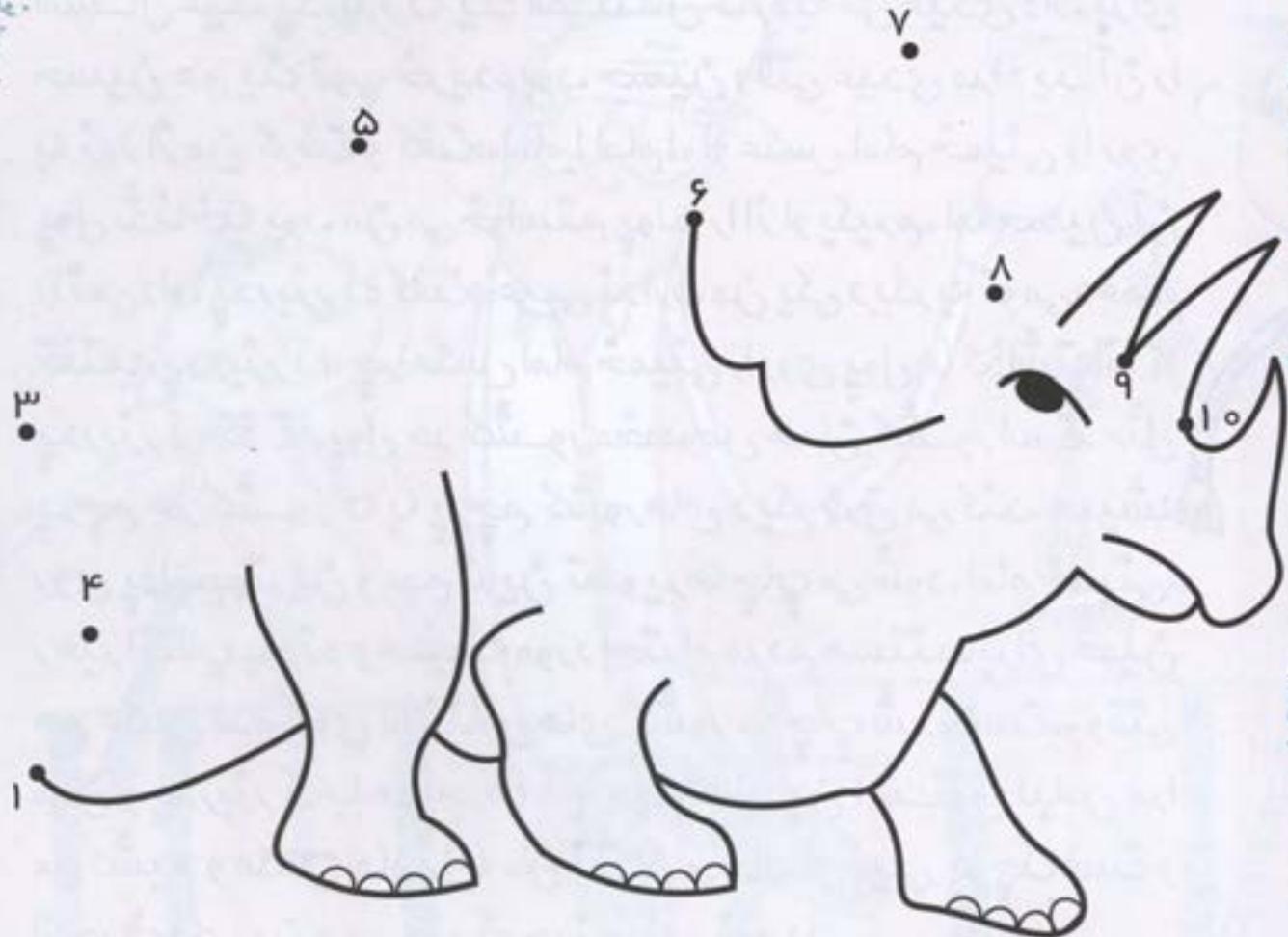
دانه را زمین گذاشت
و گفت: «من مورچه‌ی
کوچکی هستم ... اما،
خدای بزرگی دارم.»
این را گفت و دانه را به
لانه‌اش برد.



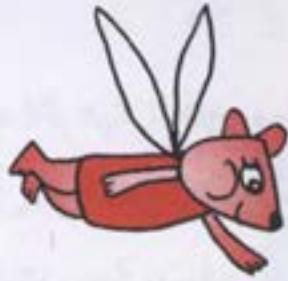
فاق اشی



دایره‌های سیاه ۱ تا ۱۰ را به هم وصل کن تا شکل کامل شود. آن را رنگ کن.



کوچک فر



امسال عید، پدرپنگر یک اسکناس تازه به من عیدی داد. پرای حسین هم یک توپ خریده بود. حسین وقتی عیدی مرادید، آن را به زور از من گرفت و گفت: «امام! امام!» او عکس امام خمینی را روی پول شناخته بود. من می خواستم پولم را از او بگیرم. اما حسین آن را نمی داد. پدرپنگر گفت: «عیپی ندارد. من یکی دیگر به تو می دهم.» گفتم: «پدرپنگر، چرا عکس امام خمینی را روی پول ها گذاشته اند؟» پدرپنگر گفت: «پول هر کشور مخصوص همان کشور است. مثل پرچم هر کشور که با پرچم کشورهای دیگر فرق می کند. همیشه روی پول، پهترين و مهم ترین تصویرها چاپ می شود. امام خمینی، رهبر انقلاب بودند و همیشه مورد احترام مردم هستند. پرای همین هم عکس امام روی اسکناس های کشور ما چاپ شده است.» وقتی من و پدرپنگر با هم حرف می زدیم حسین آستین لباس مرا می کشید و عکس امام را به من نشان می داد. او خیلی کوچک است و از حروف های من و پدرپنگر چیزی نمی فهمد!



نسکافه

او ایستاده
بر روی گلدان
افتاده دور از
باغ و بیابان

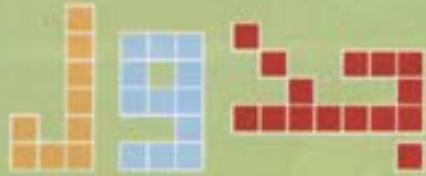
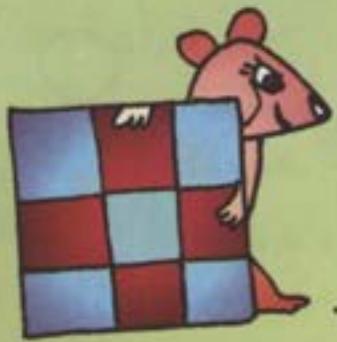
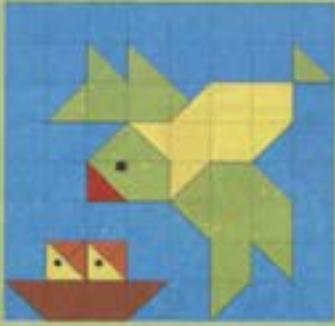
یاس است اسمش
در خانه‌ی ماست
دیروز از من
نسکافه می‌خواست!

گفتم به او: «چشم
یاس بهارم
نسکافهات را
الان می‌آرم!»

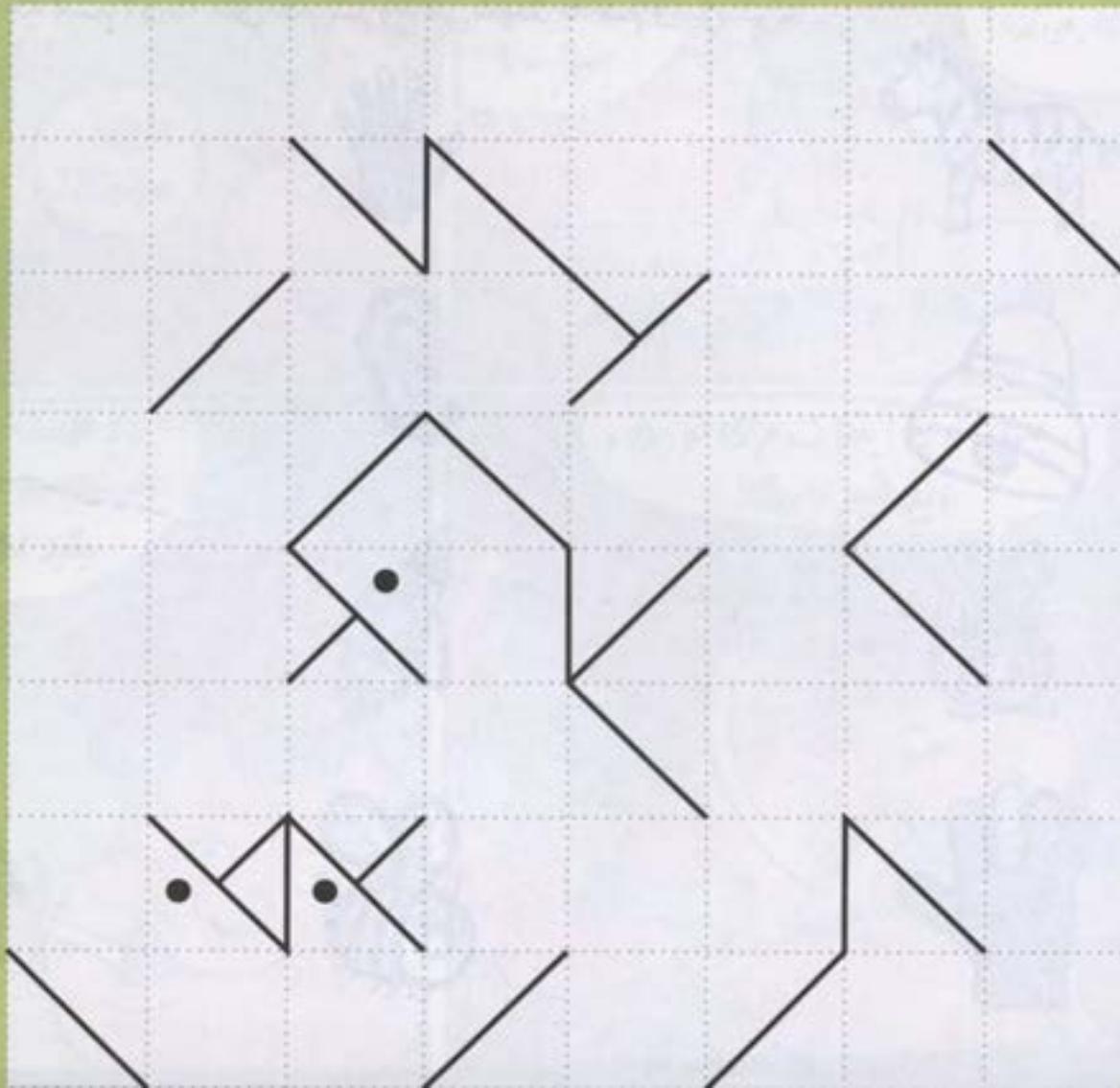
آب و کمی خاک
دادم به او زود
نسکافه‌اش شد.
آب کل آگود!

ناصر کشاورز





جدول را کامل و رنگ کن.



بازی

به این شکل‌ها نگاه کن و اسم آن‌ها را بگو.

شکل‌هایی را که اسم آن‌ها مثل هم شروع می‌شوند به هم وصل کن.





اما فردای آن روز :



یک ساعت بعد در مطب دکتر:





اگر می خواهید خواهر یا برادر بزرگترتان به مجله های شما دست نزند اشتراک دوست نوجوانان را برایش بگیرید



قابل توجه متفاضیان خارج از کشور
بهای یک شماره هفتگی دوست
خاور میانه(کشور های همچون) ۱۰۰۰ اربال
اروپا، افریقا، آسیا ۱۰۰۰ اربال
امریکا، کانادا، استرالیا ۱۲۵۰۰ ریال
بستگان هر یک از افراد ساکن در خارج از کشور
که در ایران سکونت دارند می توانند مبلغ فوق را به
حساب اعلام شده واریز و سپس نشانی فرد خارج از
کشور را به امور مشترکان مجله دوست ارسال کنند.

بهای اشتراک تا پایان سال ۱۳۸۵ - هر ماه ۴
شماره - هر شماره ۲۷۵۰ ریال
مبلغ اشتراک را به حساب شماره ۵۲۵۲ بانک
صادرات میدان انقلاب کد ۷۶
به نام موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) واریز کنید
(قابل پرداخت در کلیه شعب بانک صادرات در
سراسر کشور)

فرم اشتراک را همراه با رسید بانکی به نشانی
تهران، خیابان انقلاب، چهار راه حافظ، پلاک ۹۶۲
امور مشترکان مجله دوست ارسال فرماید.

مشترکین محترم استان اصفهان می توانند مبلغ اشتراک خود را به شماره حساب ۰۰۰۱۰۱۱۸۷۵۰۱۰۰۰ قابل
پرداخت در کلیه شعب بانک ملی در ایران واریز کنند.

آدرس: اصفهان - خیابان شیخ بهایی - مقابل بیمارستان مهرگان - نمایندگی چاپ و نشر عروج -
تلفن: ۰۳۱۱۲۳۶۴۵۷۷

واحد اشتراک مجله دوست نوجوانان



گاو



اسب آبی



گوزن



جوچه نیخی



تمساح

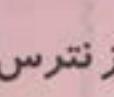
از هیچ چیز نرس

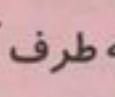
یکی بود، یکی نبود. غیر از خدا، هیچ کس نبود.

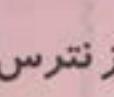
یک روز  پیش  رفت و گفت: «یک

می ترسم برای آب خوردن بروم.»  گفت: «من با تو می آیم. وقتی که با من هستی، از

هیچ چیز نرس!»  و  چشمش

 به طرف آبگیر رفتند. اما همین که  افتاد، ترسید و گفت: «وای! چه

به دندان های تیز  بزرگی! بهتر است  برویم و کمک بیاوریم.»  و  پیش رفتند و گفتند: «یک

 خندید و گفت: «من  بزرگ به آبگیر آمده، ما نمی توانیم برای آب خوردن بروم!»

با شما می‌آیم. وقتی که با من هستید از هیچ‌چیز نترسید! و و

به طرف آبگیر رفتند. اما همین که ، چشمش به دندان‌های تیز افتاد،

گفت: «وای! چه بزرگی! باید برویم و کمک بیاوریم! همین موقع از پشت

علف‌ها بیرون آمد و گفت: «وقتی با من هستید از هیچ‌چیز نترسید! و و

با هم گفتند: «تو؟! تو می‌خواهی با بجنگی؟!»

خودش را گرد کرد و گفت: «بله! من!» بعد قل خورد و رفت به طرف

که خیلی گرسنه بود. بدون فکر، را یک لقمه کرد. اما تیغ‌های خیلی

تیز بودند. را از دهانش بیرون انداخت و در حالی که از درد ناله می‌کرد،

از آبگیر رفت.

و و ، با خوش حالی فریاد زدند: «وقتی با ما است ما از هیچ

چیز نمی‌ترسیم!

قصه حیوان

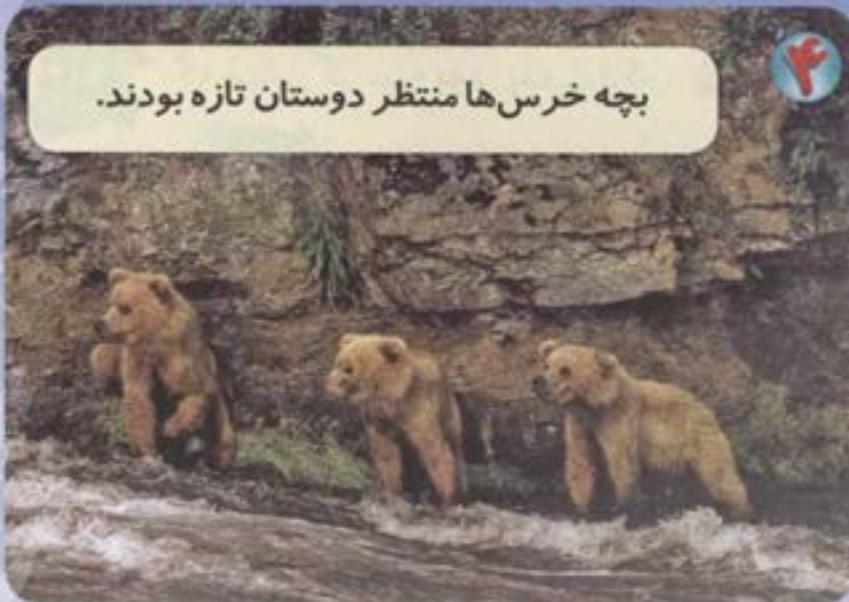


کم کم همه از راه می‌رسیدند.



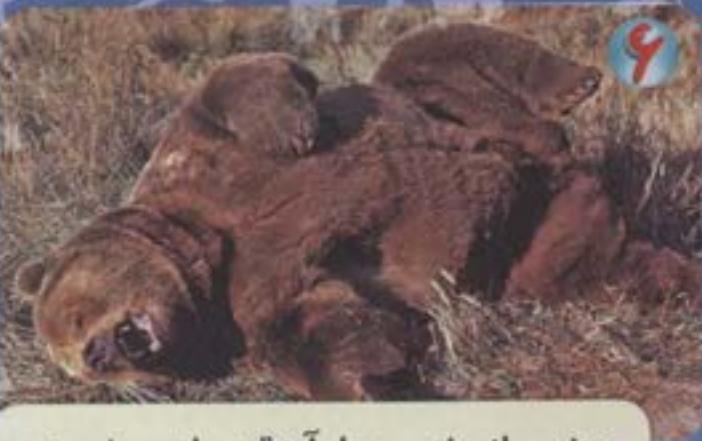
بهار بود و روز جشن ماهی‌گیری خرس‌ها.

واز دیدن هم خیلی خیلی خوش حال می‌شدند.



بچه خرس‌ها منتظر دوستان تازه بودند.

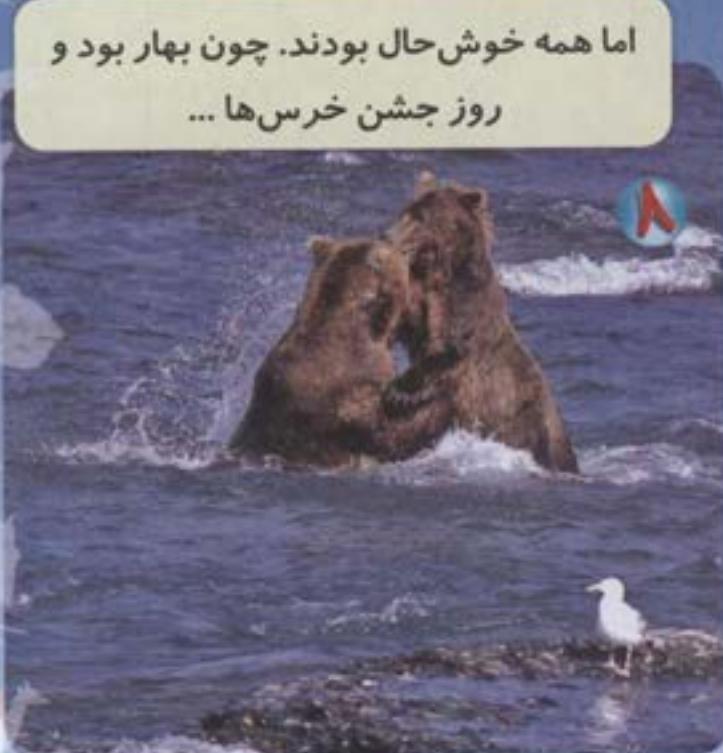




بعضی از خرس‌ها آنقدر ماهی خورده بودند که نمی‌توانستند تکان بخورند!



بعضی از بچه خرس‌ها خجالت می‌کشیدند با بقیه بازی کنند.



اما همه خوش حال بودند. چون بهار بود و روز جشن خرس‌ها ...



و بعضی‌ها هنوز منتظر رسیدن دوستانشان بودند.



سرور کتب

همبازی

توی کوچه هیچ کس نبود.

جز من و قورباغه و باد بهاری.

روی زمین یک لی لی کشیدم.

باد روی خانه‌های لی لی پرید و بازی کرد.

قورباغه روی خانه‌های لی لی پرید و بازی کرد.

من روی لی لی پریدم و بازی کردم.

کوچه پر از همبازی بود.



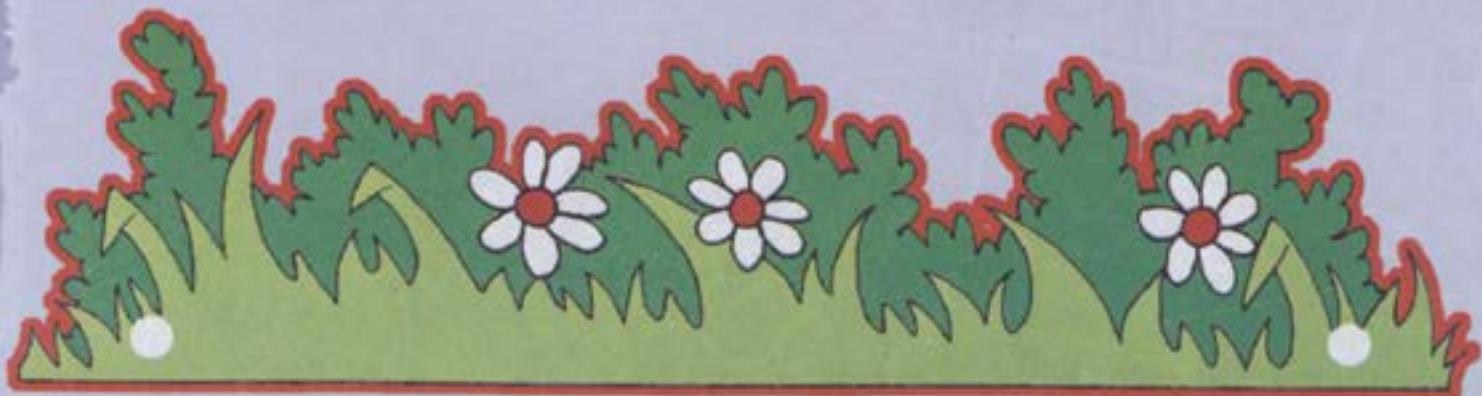
کارهای سلیمانی



شکل‌ها را از روی خط (قرمز) قیچی کن.

دایره‌های سفید را سوراخ کن.

به دو طرف آن کش وصل کن. حالا تاج گل زیبای تو آماده است. آن را روی سرت
بگذار!



خردسالان

دوست

بهای اشتراک تا پایان سال ۱۳۸۶

هر ماه چهار شماره، هر شماره ۳۲۵۰ ریال

مبلغ اشتراک را به حساب جاری شماره ۵۲۵ با نک صادرات شعبه انتقال کد ۷۶
به نام مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) واریز کنید.

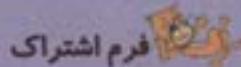
(قابل پرداخت در کلیه شعب بانک صادرات در سراسر کشور)

فرم اشتراک را همراه با رسید بانکی به نشانی: تهران، خیابان انتقال اسلامی، چهارراه کالج.
فروشگاه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) شماره ۹۶۲ امور مشترکان سخن دوست خردسالان ارسال فرمایید.

مشترکین محترم استان اصفهان می توانند مبلغ اشتراک خود را به شماره حساب ۱۰۰۳۱۱۱۸۷۵۰۱۰۰۰۱
قابل پرداخت در کلیه شعب بانک صلی در ایران واریز فرمایند.

آدرس: اصفهان، خیابان شیخ بهایی، مکان بسازستان مهرگان، تسبیدگی چاب و نشر عرضه تلفن: ۰۳۳۶۴۵۷۷

نظرات و پیشنهادات خود را در ارتباط با اشتراک و نحوه ارسال مجلات با شماره تلفن ۰۲۱۶۶۳۷۰۶۲۲۳ (در میان بکاربرید)



فرم اشتراک

نام:

نام خانوادگی:

تاریخ تولد: / /

تحصیلات:

۱۳

نشانی:

کد پستی:

تلفن:

شروع اشتراک از شماره:

تا شماره:



نشانی فرستنده

جای تمبر

لشرونج

نشانی گیرنده

تهران - خیابان انقلاب اسلامی، چهار راه کالج، فروشگاه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)
شماره ۹۶۲ امور مشترکان مجله هفتگی دوست خردسالان

com
کامپ



ترانه طای زندگی

بزن و بکوب، نقاره

همسایه مون امشب عروسی داره

دست می زنن می رقصن

قه و قه و قه می خندن

صدای شاد خنده شون

می پیچه توی آسمون

خدا، تو که خنده شونو می بینی

خنده شونو زیاد کن

از حالا تا همیشه

هر دو تا شون رو شاد کن

